



Review of Hamidreza Dalvand, Zoroastrian History and Tradition and Zoroastrian Persian Texts, Zoroastrian Tradition in Islamic Period, vol. 1 and 2, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies 2020

Tabibzadeh, Arya¹ 

Master's student of Persian language and literature, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

Zoroastrian history and tradition and Zoroastrian Persian texts, the first two volumes of the collection 'Zoroastrian tradition in the Islamic era', aim to study the history and textual traditions of the Persian Zoroastrian community, during the Islamic era. The volumes deal with issues such as the Zoroastrians' migrations patterns and their settlement centers, the hirbadistans i.e. associations that undertook duties including the composition of the religious texts as well as setting the Zoroastrian jurisprudence. The present two volumes provide their readers with a comprehensive list of the Iranian Zoroastrians' written texts during the Islamic era of Persia, with excellent analyses of the texts.


Keywords: Zoroastrian tradition in Islamic times, Zoroastrian history and tradition, Zoroastrian Persian texts

1. arya.tabibzadeh@gamil.com

How to cite: Tabibzadeh, A. (2023). Review of Hamidreza Dalvand, Zoroastrian History and Tradition and Zoroastrian Persian Texts, Zoroastrian Tradition in Islamic Period, vol. 1 and 2, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies 2020. *Language and Linguistics*, 19(37), 319 - 324. doi: [10.30465/LSI.2024.48204.1739](https://doi.org/10.30465/LSI.2024.48204.1739)



حمیدرضا دالوند، سنت زردشتی در روزگار اسلامی؛ ج ۱: تاریخ و سنت زردشتی؛ ج ۲: متون فارسی زردشتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۹

طیب‌زاده، آریا  دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

تاریخ و سنت زردشتی و متون فارسی زردشتی عنوان‌های دو مجلد نخست از مجموعه «سنت زردشتی در روزگار اسلامی» است که هدف آن بررسی تاریخ کیش زرتشتی و جامعه مؤمنان آن، الگوهای مهاجرت‌های زرتشتیان و کانون‌های زرتشتی، شناخت حلقه‌ها و هیبریدستان‌های پدیدآورنده متون و مفاهیم دینی و متولی شریعت رایج و نیز برشمردن، طبقه‌بندی، احیا، تحلیل و تفسیر میراث مکتوب زرتشتیان ایران در دوره اسلامی است (۱: ۵). مؤلف در جلد اول برای نخستین بار چارچوبی برای مطالعه کانون‌های تولید متون زرتشتی و مراکز دینی کیش زرتشتی در دوره اسلامی ایران و روابط این کانون‌ها با هم و نیز با جامعه پارسیان هند ارائه کرده است (همان: ۶ و ۷). در جلد دوم، یعنی متون فارسی زردشتی، به‌طور مفصل به معرفی متون فارسی زرتشتی پرداخته شده که پیش از آن کلیاتی درباره آن‌ها در جلد نخست آمده بود (۱: ۱۳۷-۲۰۴). این مجلد را می‌توان جامع‌ترین فهرست موجود از آثار فارسی زرتشتی اعم از منابع خطی و چاپی در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های ایران و هند و سایر کتابخانه‌های جهان دانست.

کلیدواژه: سنت زردشتی در روزگار اسلامی، تاریخ و سنت زردشتی، متون فارسی زردشتی

۱ مقدمه

تاریخ و سنت زردشتی و متون فارسی زردشتی^۱ عنوان‌های دو مجلد نخست از مجموعه «سنت زرتشتی در روزگار اسلامی» است که هدف آن بررسی تاریخ کیش زرتشتی و جامعه مؤمنان آن، الگوهای مهاجرت‌های زرتشتیان و کانون‌های زرتشتی، شناخت حلقه‌ها و هیربدستان‌های پدیدآورنده متون و مفاهیم دینی و متولی شریعت رایج و نیز برشمردن، طبقه‌بندی، احیا، تحلیل و تفسیر میراث مکتوب زرتشتیان ایران در دوره اسلامی است (۱: ۵). مؤلف در جلد اول برای نخستین بار چارچوبی برای مطالعه کانون‌های تولید متون زرتشتی و مراکز دینی کیش زرتشتی در دوره اسلامی ایران و روابط این کانون‌ها با هم و نیز با جامعه پارسیان هند ارائه کرده است (همان: ۶ و ۷). دالوند ابتدا به معرفی کتابخانه‌ها و مراکزی پرداخته که دارای کتب چاپی و خطی فارسی زردشتی اعم از مجموعه‌های عمومی و مجموعه‌های خصوصی موبدان هستند. او این مراکز به دو بخش مرکز داخل و خارج ایران تقسیم و معرفی کرده است (صص. ۱۳-۲۵) و قابل توجه است که خود شخصاً از بعضی مجموعه‌های این منابع در هند بازدید کرده است (ص. ۹). او با استقصای تمام، مطالب و اشارات بسیاری را درباره حضور زرتشتیان و فعالیت موبدان و آشکده‌ها در مناطق مختلف از منابع قدیم تاریخی اعم از عربی و فارسی تا قرن نهم هجری (یعنی تا پیش از دوره‌ای که مؤلف آن را «دوره روایت» نامیده؛ ص. ۱۰۵) نقل و بررسی کرده، و کانون‌های اصلی‌ای که دارای جمعیت قابل توجه زرتشتی، آشکده‌های فعال و البته، سنت نوشتاری زرتشتی بوده، معرفی کرده و دوره فعالیت هر کانون را افزون بر تهدیدات جامعه زرتشتی در هر کانون و دلایل مهاجرت زرتشتیان از آن کانون‌ها را بیان کرده است. کانون‌هایی که دالوند معرفی کرده عبارتند از: فارس و مناطق جنوب غربی ایران (ص. ۳۱)، شیز و آذربایجان (ص. ۶۴)، ری (ص. ۸۰)، قم، اصفهان و مناطق مرکزی ایران (ص. ۸۰)، ماوراءالنهر (ص. ۸۷)، خراسان (ص. ۹۰)، سیستان (ص. ۹۵)، کرمان (ص. ۹۷) و یزد (ص. ۹۹). از میان این مراکز، سه مرکز آخر امن‌ترین مراکز برای زرتشتیان تا پیش از دوره روایت بوده است (صص. ۹۵-۹۹). تهدیداتی که دالوند برای افول کانون‌های زرتشتی بررسی کرده عبارتند از: ۱) سیاست رسمی حاکمان مسلمان با اهل ذمه و من جمله زرتشتیان (۲) رفتار فرقه‌های غیر رسمی و زرتشتیان تازه‌مسلمان. آنچه از این دو گروه مؤثرتر بود و گاه با خشونت و گاه به صورت تبلیغ دین اسلام سبب مسلمان شدن زرتشتیان یا مهاجرت آنان می‌شده است، فعالیت گروه دوم بود که نه تنها چندان پای بند قوانین و مقررات حاکم اسلامی نبود که با تمسک به مفاهیم دینی به قرائت‌های

۱- از این پس در ارجاع بر هر یک از این دو کتاب تنها شماره جلد و شماره صفحه آن ذکر می‌شود (تاریخ و سنت زرتشتی مجلد اول است و متون فارسی زرتشتی مجلد دوم).

سختگیرانه خود جهت ترویج دین مشروعیت می‌بخشید (برای نمونه‌های این موارد ر.ک همان: ۶۴-۳۱؛ ۸۷-۹۵). غیر از این، ناامنی‌های منطقه‌ای که حتی امنیت مسلمانان را نیز تهدید می‌کرد، سبب مهاجرت زرتشتیان می‌شده است (مثلاً ر.ک ص. ۸۰). یکی از تهدیدات جالب توجه و مورد اشاره در این اثر، تحرکات فرقه‌های غیرمسلمان و غیرزرتشتی علیه حکومت‌های مسلمان بوده است، مثل نومزدکیان (من جمله تحرکات بابک خرم‌دین و قارن) در آذربایجان و طبرستان، و سیسانیه در خراسان. دلوند نشان داده که جوامع زرتشتی ایران که پس از اسلام سیاست مدارا و انزوا را در پیش گرفت، همواره مخالف این فرقه‌های غیر مسلمان و غیر زرتشتی بوده و در سرکوب آن‌ها با مسلمانان همکاری می‌کرده یا حتی پیش‌قدم می‌شده‌اند؛ زیرا از طرفی این فرقه‌ها، زرتشتی‌ها را به مذهب خود می‌کشانده‌اند، و از طرف دیگر سبب ناامنی منطقه و آشوب می‌شده‌اند (ر.ک همان ۶۴-۷۵).

دلوند سپس به بررسی احوال جوامع زرتشتی در عصر روایات (یعنی بین قرن ۹ تا ۱۲ ی/ق.) پرداخته و روابط زرتشتیان ایران و هندوستان و تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و هندوستان را بر جوامع زرتشتی این دو سرزمین بررسی کرده است (صص. ۱۰۵-۱۲۹). او نهایتاً با بررسی وضعیت زرتشتیان در ایران در دوران معاصر (از دوره قاجار به بعد؛ همان ۱۲۹-۱۳۶) بحث تاریخی خود را به پایان برده است. در پایان این بخش، نقشه‌ای بسیار جالب از کانون‌های زرتشتی و الگوی مهاجرت زرتشتیان پس از اسلام ترسیم شده که به‌نوعی آن را می‌توان جمع‌بندی مباحث تاریخی این کتاب دانست (ص. ۱۳۶).

اما به‌نظر بنده بحث اصلی کتاب تازه در فصل سوم شروع می‌شود (ص. ۱۳۷-۲۰۴)، یعنی معرفی متون مختلف فارسی زرتشتی به تفکیک کانون‌های جغرافیایی بحث شده در فصل قبل. این بخش دارای اهمیت بسیار زیاد نه فقط برای علاقمندان به مباحث دینی و فرهنگی زرتشتی، بلکه برای متن‌پژوهان و متخصصان ادبیات و زبان‌شناسی است، چرا که در آن پیکره‌ای کمتر شناخته‌شده - یعنی متون فارسی زرتشتی - همراه با اطلاعات بسیار سودمندی درباره تبارشناسی این متون (ص. ۱۴۲-۱۶۲)، ادبیات دینی به زبان پهلوی (ص. ۱۶۵-۱۷۲)، حلقه‌های موبدی و شیوه کار آن‌ها در تولید متن (ص. ۱۷۲-۱۸۸)، دسته‌بندی موضوعی متون فارسی زرتشتی (ص. ۲۰۵-۱۸۸)، و همچنین گویش فارسی زرتشتی آمده است (۱۶۲-۱۶۵).

دلوند نهایتاً به‌نحو احسن مباحث مطرح شده را در بخش «سخن پایانی» (۲۰۵-۲۱۳) مرور کرده است. پس از این بخش، دو پیوست در کتاب آمده که یکی شامل نمایه نام‌های افرادی است که در انجام نسخه‌های فارسی زرتشتی بعنوان کاتبان، هیربدان، مؤلفان، سفارش‌دهندگان و امضاکنندگان متون آمده است؛ درواقع فهرست رجالی بسیار ارزشمندی است که از نام‌های

مذکور در نسخه‌های فارسی زرتشتی فراهم آمده است (همان: ۲۱۳-۲۶۹)؛ سپس در ضمیمه دوم کتاب (همان: ۲۷۲-۲۸۳)، تبارنامه دودمان‌های موبدی زرتشتیان در ایران آمده که می‌توان در پژوهش‌های مختلف از آن استفاده کرد. در واقع این دو ضمیمه، کتاب حاضر را تبدیل به یک منبع رجالی مهم زرتشتی کرده که بعید میدانم پیش از آن سابقه‌ای داشته باشد.

در جلد دوم، یعنی *متون فارسی زردشتی*، به‌طور مفصل به معرفی متون فارسی زرتشتی پرداخته شده که پیش از آن کلیاتی درباره آن‌ها در جلد نخست آمده بود (۱: ۱۳۷-۲۰۴). این مجلد را می‌توان جامع‌ترین فهرست موجود از آثار فارسی زرتشتی اعم از منابع خطی و چاپی در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های ایران و هند و سایر کتابخانه‌های جهان دانست. دالوند به‌استقصای تمام، نه‌تنها با رجوع به فهرست‌های نسخه‌های خطی، بلکه تا آنجا که برای او مقدور بوده با رجوع به خود کتابخانه‌های دارای منابع زرتشتی در ایران و هند فهرستی بسیار جامع از این آثار را ارائه کرده است. او به‌خوبی اشاره کرده که متاسفانه جامعه زرتشتی تا کنون هیچوقت چنان که بایسته است به فهرست‌کردن ذخایر مکتوب خود نپرداخته‌اند، آثاری که در مجموعه‌های شخصی موبدان یا در کتابخانه‌های وابسته به انجمن‌های زرتشتی با شرایط نه‌چندان مطلوب نگهداری می‌شود و امکان نابودی و نتیجتاً فراموشی کامل آن‌ها وجود دارد (۱: ۱۵-۱۶). از این رو، ارائه چنین فهرستی توسط مؤلف اتفاق بسیار مهمی در مطالعات فارسی زرتشتی است که البته فواید متعدد آن شامل محققان زبان‌شناسی و ادبیات فارسی نیز خواهد بود. گونه‌های زبانی اقلیت‌ها چون فارسی زرتشتی یا فارسی یهودی بنابر دلایل مختلف اهمیت ویژه‌ای در مطالعات زبان‌شناسی تاریخی و ادبیات فارسی دارد. بررسی گونه به‌کاررفته در این متون می‌تواند متضمن فواید بسیار در مباحث زبان‌شناسی تاریخی فارسی باشد. همچنین از آنجا که این متون بسیار از جهان‌بینی زرتشتی گونه تأثیر گرفته‌اند، بررسی محتوایی و سبک‌شناسی آن‌ها از حیث ادبی امری است که باید بدان توجه شود. در این متون برای تبیین مفاهیم دینی اصطلاحات خاصی وضع شده که مطالعه این متون از حیث واژگانی را بسیار ضروری می‌سازد. با انتشار اثر ارزشمند دالوند، می‌توان امید داشت که چنین پژوهش‌هایی در آینده صورت گیرد.

گفتن است که مجموعه سنت زردشتی در روزگار اسلامی، برنامه پژوهشی دالوند در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است، که تاکنون دو مجلد از آن منتشر شده (یعنی همین دو جلد موردبررسی در نوشتار حاضر). مجلدات دیگر این مجموعه که آماده انتشار و زیر چاپ هستند، عبارت است از: جلد سوم: *روایت فرنیغ سروش و جستاری تطبیقی در تقویم ۱۳۰۰ ساله یزدگردی و تحولات آن*، و جلد چهارم: *پازندها یا بررسی میراث فکری فرزندان زردشتی به پازندها*. مجلد پنجم این مجموعه نیز با عنوان «*نو زندها*» در حال انجام است. هدف

این مجلد اخیر بررسی تحولات تفسیری و قرائت‌های متناسب با زمان کیش زردشتی از اسلام تا امروز است.

در پایان، باید گفت مجموعه سنت زردشتی در روزگار اسلامی می‌تواند آغازگر دوره‌ای جدید در مطالعات ایران‌شناسی، زبان‌شناسی تاریخی و متن‌شناسی فارسی باشد و همچنین به بازخوانی دقیق‌تر تعاملات ایران و اسلام کمک کند.